

تنها از عوامل هویت مردم‌پیران و افتخار کشور اسلامی است بلکه از مایه‌های بزرگ فرهنگی جهانی است. برخی از آثار عظیم فرهنگی که به زبان شیرین فارسی به نگارش درآمده به اغلب زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده که این امر از عوامل گسترش این زبان بوده است.

۲. زبان فارسی نه تنها بر زبان‌های خانواده ایران تأثیر داشته و دارد بلکه بر زبان‌های دیگر از جمله اردو و ترکی نیز تأثیر داشته است. نفوذ زبان فارسی در ایران، افغانستان و تاجیکستان از اهمیتی بسیار برخوردار است. از آنجا که زبان فارسی بسیار غنی است اغلب زبان‌های دیگر مانند تاجیکی، پشتو، اردو و دیگر زبانها، لغات و الفاظی از زبان فارسی وام گرفته‌اند تا بتوانند از فرهنگ ادبی غنی و عمیق‌تری برخوردار باشند. این تأثیر آنقدر در زبان پشتو عمیق است که این زبان بدون الفاظ فارسی نمی‌تواند به عنوان یک زبان مستقل شناخته شود.

۳. زبان فارسی نه تنها در ایران بلکه در منطقه وسیعی از آسیای میانه و ترکیه نفوذ خود را به نمایش گذاشته است. قدرت و نفوذ زبان فارسی از لحاظ جغرافیایی و فرهنگی بسیار وسیع است. علل این نفوذ از این قرار است:
الف. عامل خارجی، زبان فارسی دارای تاریخ طولانی و عظیمی است. این تاریخ دستاورد آثار گرانبه‌ا و غنی نویسندگان با ذوق ایرانی است.

ب. علت ذاتی یا زبانی. این امر ناشی از خصوصیات ساختمان زبان فارسی است که خود ناشی از سه دلیل است:
۱. سادگی دستوری، دستور زبان فارسی بسیار آسان و قابل فراگیری است.

۲. سادگی نظام واج‌شناسی یا فونولوژی. بدین معنی که زبان فارسی از لحاظ صدا و آوا بسیار ساده است.

۳. پرمایگی معنایی. زبان فارسی استعداد فراوانی برای واژه‌سازی یا آفرینش الفاظ و کلمات جدید دارد.

۴. در ایران کنونی مؤسسات فرهنگی و آموزشی و پژوهشی از قبیل «شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی»، «فرهنگستان زبان و ادب فارسی»، «مرکز گسترش زبان فارسی در خارج از کشور» و غیره فعالیت با ثمر و گسترده‌ای داشته که مورد تقدیر و ستایش است. این مؤسسات برای حفظ قوت و اصالت و رواج زبان و ادب فارسی و گسترش حوزه و قلمرو آن در داخل و خارج از کشور، تلاش‌های ثمربخشی انجام می‌دهند.

۵. اگرچه فراگیری و پژوهش زبان فارسی (همانند زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی) گسترده نیست اما این فراگیری و پژوهش ارزشمند و لازم است. دانشگاه توکیو و لوساکا دارای دپارتمان یا بخش مستقل فارسی بوده و در دانشگاه‌های معتبر و بزرگ دولتی ژاپن نیز تدریس می‌شود و در دانشگاه‌های خصوصی هم‌مورد استقبال قرار گرفته است.

تاریخ تحقیقات زبان فارسی و ایران‌شناسی در ژاپن اگر چه سابقه طولانی ندارد اما بسیار ثمربخش بوده و خوشبختانه در این سال‌ها تعداد دانشجویان و محققان در تمام رشته‌های ایران‌شناسی رو به افزایش است.

سهس جلسه پرسش و پاسخ به مدت بیست دقیقه ادامه یافت و در پایان سفیر ایران در توکیو ضمن خوشامدگویی به سخنرانان و حضار و تشکر از مسوولان دانشگاه مطالعات خارجی، خواستار نزدیکی و تبادل نظر میان صاحب‌نظران فرهنگی دو کشور و گسترش روابط و مناسبات دو کشور در همه ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شد.
این سمینار در ساعت ۱۹/۰۰ همان روز خاتمه یافت.

معرفی نخستین نشریه‌های زنان ایران

● مزدک ابهری

□ شکوفه به انضمام دانش. نخستین نشریه‌های زنان ایران.

□ تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۷۷

□ بهای: ۲۰۰۰ ریال.

زبان به طعن و انتقاد گشوده و می‌گویند:

«همین قدر عرض می‌کنیم، اگرچه زن هستیم و به‌قول آقایان ناقص عقل و ردیف بشر محسوب نمی‌شویم، از مرحمت پدرانمان هم که فضل و کمالی نداریم، ولی نادان در هر طبقه هست... امروز بر احدی پوشیده نیست که هر بیهو زن به این مجلس حق دارد. ما امروز حقوق خودمان را می‌خواهیم... همین قدر عرض می‌کنم زنها می‌توانند، آنچه را که می‌خواهند.» (نقل از مقدمه سرکار خانم سعیدی بر شکوفه... ص ۵۰).

آنگاه زنان به تمامی پدیده‌های اجتماعی روی می‌آورند و سعی می‌کنند که کارهای مردان را انجام دهند و از این روی به پدیده روزنامه‌نگاری و نشر آن هم می‌پردازند، گرچه میان اولین نشریه‌ای که در ایران توسط مردان - منتشر شد تا انتشار نخستین نشریه به‌دست زنان قریب به یک سده (۸۸ سال از ۱۲۵۳ چاپ کاغذ اخبار - ۱۳۲۸ چاپ دانش) فاصله زمانی است، اما باید اذعان داشت آنجا که مردان به انتشار روزنامه پرداختند، اختصاص به مردان نداشت چه نشریه عام‌بود و برای تک تک افراد جامعه. اما وقتی زنان پا به‌عرضه می‌گذارند و تصمیم به اقدام کاری می‌گیرند فقط

می‌گویند تاریخ ایران تاریخی است مذکر و به‌همان دلیل مردان نقش اساسی در اجتماع و تاریخ داشته و دارند. گرچه تاریخ ایران، تاریخ مذکر است ولی با وجود این زنان نقش حساسی در این تاریخ بازی کرده‌اند و پیوسته جای پای آنان در تاریخ مذکر مشاهده می‌شود و چه بسا زمینه‌ساز فتنه‌ها، توطئه‌ها و دسیسه‌ها بودند و حتی مرگ و میرها توسط آنان صورت پذیرفته است.

فتنه مغول نمونه بارزی بر این مدعا است که جای پای مادر سلطان محمد خوارزمشاه در آن دیده می‌شود.

در تاریخ معاصر ایران نیز زنان نقش عمده‌ای داشتند و گاه این نقش توأم با قدرت‌نمایی و با هنرنویزانه همراه بوده است.

ملکه جهان خانم یا مهدعلیا مادر ناصرالدین شاه، پس از مرگ شوهرش محمدشاه و تا آمدن ولیعهد از تبریز به تهران زمان امور را به دست می‌گیرد و فتنه‌ها را در بطن خفه کرده که گویی شاهی نمرده است.

همچنین در این تاریخ مذکر آمده است زنان در انقلاب مشروطه نقش حساسی داشته‌اند و پس از آن بیشتر در عرصه اجتماعی و سیاسی ظاهر شده و سعی بر آن داشته و دارند که دوشادوش مردان به فعالیت اجتماعی بپردازند.

در تاسیس بانک ملی - نخستین بانک ایرانی - زنان با اهداء زیورالات و جواهرات تزئینی خود سهم به‌سزائی دارند (روزنامه مجلس، سال اول، ش ۲، ۱۳۲۴ ه. ق، ص ۲).

زمانی به تشکیل اتحادیه‌ها و انجمن‌های مختلف پرداخته و در آنجا به تبادل افکار و عقاید خود می‌پرداخته‌اند که نمونه بارز آن در مبارزه با ورود کالا و اشیاء خارجی است که به حمایت از مشوجات و اشیاء داخلی و هم چنین شرکت در مبارزه سیاسی علیه استعمار اروپائی است. روزنامه انجمن تبریز در ۱۳۲۴ خبری از این نوع انجمن‌ها و تصمیمات زنان دارد: «از قرار معلوم گویا خواتین مکرمه تبریز مجلس و مجمعی قرار گذاشته‌اند که در ایام هفته جمع شده در باب ترتیبات لباس خودشان و غیره صحبت کرده، حتی المقدور سعی نمایند بلکه کمتر خود و صاحبشان را محتاج متاع و مشوجات خارجه کرده از ثروت خودشان نگاهند و در صورت امکان مدتی به همان البسه قدیم که دارند قناعت کرده بسر برند تا بلکه به فضل خداوندی و همت مردمان غیور فابریکها [کارخانه] در مملکت ایران تشکیل یابد که از احتیاج خارجه به کلی بی‌نیاز شوند» (روزنامه انجمن، سال اول، ش ۴، ۱۳۲۴، ص ۴).

با گذشت زمان، ظهور زنان در عرصه اجتماعی بیشتر شد، تا جایی که نسبت به عملکرد دولت‌مردان و مجلسیان

شکوفه دانش



برای دریافت حقوق حقه خودشان است و پس، پس اقدام به انتشار نشریه ویژه برای بانوان و دختران و یا به عبارت دیگر برای هم‌نوعان خود کردند و در مدت کوتاهی موفق به انتشار روزنامه و مجلات ویژه زنان شدند که نخستین کوشش، دانش در ۱۳۲۸ ق. به مدیریت خانم دکتر کحال و پس از آن شکوفه (به فاصله زمانی دو سال) در ۱۳۰۰ ق. به مدیریت مریم‌زمین السلطنه (عمید) بود و به دنبال آن نشریات: عالم‌نسونان به مدیریت بانو نوابه صفوی در ۱۲۹۱ ش؛ زبان‌زنان به مدیریت بانو صدیقه دولت‌آبادی در ۱۲۹۷ ش (اصفهان)؛ نامه بانوان به مدیریت بانو شهناز آزاد در ۱۲۹۹ ش؛ جهان‌زنان به مدیریت بانو فخر آفاق پارسا در ۱۲۹۹ ش (نخست در مشهد و سپس در تهران)؛ زنان ایران در ۱۲۹۹؛ نسونان وطن‌خواه یا جمعیت نسونان وطن‌خواه به مدیریت بانو ملوک اسکندری در ۱۳۰۲ ش. که ارگان جمعیت نسونان وطن‌خواه بود؛ نسونان شرق به مدیریت خانم مرضیه ضرابی در ۱۳۰۴ ش. (بندر انزلی)، پیک سعادت به مدیریت بانو شوکت‌سلامی در ۱۳۰۹ ش (بوشهر)؛ دختران ایران به مدیریت بانو زندخت شیرازی در ۱۳۱۰ ش (شیراز) و نامه بانوان ایران به مدیریت بانو عادل خلعت‌بری در ۱۳۱۷ ش.

یکی پس از دیگری به حلیه طبع آراسته و بامطالبی ویژه زنان در ایران انتشار می‌یابند. در طول این تاریخ مذکر، مردان هیچ‌گاه در اندیشه‌نشریه ویژه خود نبودند و به انتشار آن نپرداختند؛ ولی مردانی چون سیف آزاد در ۱۳۰۵ ش. در شهر برلین نشریه ویژه بانوان «رهنمای بانوان» منتشر کرده و یامردانی چون حسین قلی مستعان امتیاز نشریه‌ای را گرفته با عنوان «راهنمای زندگی» که به سردبیری همسرش بانو ماه‌طلعت پسیان در ۱۳۱۹ ویژه زنان منتشر ساختند.

اگر خواسته باشیم در این مقال فقط به ذکر عناوین نشریات ویژه زنان بپردازیم از اصل مساله که هدف غائی آن معرفی دو نشریه از نخستین نشریات زنان ایران است، دورمانده پس با اجازه خوانندگان گرمی به‌اصل مطلب می‌پردازیم.

دانش. نخستین مجله زنان در ایران. مدیر مسوول بانو کحال. روزنامه‌ای که نخستین بار با انتشار آن بانوان محترمه کشور قدم در عرصه مطبوعات گذاشتند. به‌نوشته روزنامه «روزنامه‌های اخلاقی، علم‌خانه‌داری، شوهرداری، مفید به حال دختران و نسونان و به کلی ازپلتیک و سیاست مملکتی سخنی نمی‌راند».

این اعلان در صفحه اول نشریه ذیل نام «دانش» آمده که مرام و مسلک نشریه را بیان می‌کند. مشخصات نشریه به قرار ذیل است:

لوايح و مقالاتی که با مسلک روزنامه موافقت کند پذیرفته و درج خواهد شد.

محل اداره: خیابان علاءالدوله نمره ۲۴ صاحب امتیاز و مدیر: خانم دکتر کحال عجلالتا یک نمره محتوی هشت (۸) صفحه طبع و توزیع می‌شود. اعلانات صفحه اول سطرری یک قران، صفحه آخر ده (۱۰) شاهی به تاریخ دهم شهرشعبان المبارک سنه ۱۳۲۸ [ق]

قیمت اشتراک سالیانه:

طهران: ۱۲ قران

سایر ولایات: ۱۵ قران

بلاد خارجه: ۷ قرانک

طهران: تک نمره یک عباسی

سایر ولایات: ۵ شاهی

پس از ارسال سه نمره آبونمان دریافت می‌شود از شماره دوم مطالب ذیل در صفحه اول مشاهده می‌شود: سردبیر: ع. صفوت (شماره‌های ۲ و ۳)

شماره ۲
شماره پنجمه ۲۴ رمضان المبارک سنه ۱۳۲۸

دانش

روزنامه ایست اخلاق و ادبی و مسلک مستقیمش تربیت نسونان و دختران و تصفیه اخلاق زنان است.

عنوان	نویسنده
توبت اشتراک	بکماله شش ماهه سه‌ماهه
طهران	مهران ۱۲ قران ۷ قران ۴ قران
سایر ولایات	ولایات داخله ۱۵ قران ۹ قران ۵ قران
بلاد خارجه	ممالک خارجه ۷ قرانک ۴ قرانک
تک نمره	تک نمره طهران ۱ شاهی
سایر ولایات	سایر ولایات ۵ شاهی
بجالتا	بجالتا هفت تک نمره طبع و نشر خواهد شد
پس از ارسال سه نمره	پس از ارسال سه نمره آبونمان دریافت می‌شود
اعلانات	اعلانات سطرری یک قران

مکاتیب وارده به صاحبانشان مسترد نمی‌شود.

قیمت اشتراک:

طهران: یکساله: ۱۲ قران، شش ماهه: ۷ قران، سه‌ماهه: ۴ قران

ولایات داخله: یکساله: ۱۵ قران، شش ماهه: ۹ قران، سه ماهه: ۵ قران

ممالک خارجه: یکساله: ۷ قرانک، شش ماهه: ۴ قرانک تاریخ نشریه از قسمت داخل کادر مشخصات به‌بالای روزنامه منتقل شده که تاریخ «پنج‌شنبه ۲۴ رمضان المبارک سنه ۱۳۲۸» را دارد.

مرام و مسلک روزنامه بدین شرح آمده است:

«روزنامه‌های اخلاقی، ادبی و مسلک مستقیمش تربیت نسونان و دوشیزگان و تصفیه اخلاق زنان است» و نسبت به آنچه در شماره اول آمده بهتر گویای مسلک و مرام نشریه است.

از این نشریه مجموعاً ۸ شماره از ۳۰ شماره انتشار یافته، توسط کتابخانه ملی احیاء شده است.

شماره اول: به تاریخ دهم شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۲۸.

با مطالب: بسم الله الرحمن الرحيم [سرمقاله]، حفظ

چنین توضیح می‌دهند:

«مدتی این مثنوی تأخیر شد. اداره شکوفه نهایت معذرت را می‌خواهد از مشترکین عظام از تعویق و تاخیر افتادن جریده شکوفه. علت از مسامحه و قصور کارکنان و اعضاء و اجزاء اداره نبوده، بلکه از موانع و عوایق دیگر بوده. اقلاً قدری بواسطه گرانی و بعلاوه نبودن کاغذ شد. آقایان تجار محترمین، احتکار از گندم و جو و سایر چیزهای خوراکی که محل احتیاج عموم است سر بیان و جریان داده‌اند به همه چیزهای دیگر از آن جمله کاغذ را ترقی داده‌اند مانند قند، کاغذ را خیلی به شیرینی و تشخیص و افاده می‌فروشند. به قسمی که اداره مطبوعات را سخته بزرگی وارد شده و آقایان و مشترکین عظام تاسی نمودند به تجار کاغذ فروش، آنها کاغذ را احتکار نمودند، آقایان وجه آئونه را احتکار نمودند» و در دنباله مطلب به علل دیگر نیز پرداخته می‌نویسند: «و دیگر از موانع تاخیر جریده شکوفه امتحانات مدارس ذکور و اناث بوده که خیلی مفصل و طولانی بوده، اقلاً امتحانات داخلی خود مدارس و ثانیاً امتحان در جزوا نالنا امتحان شاگردان داوطلب تصدیق که مدتی همه مدارس برای نشر معارف و اظهار بروز و ظهور خدمات و زحمات خودشان جد و جهد داشتند.

بعلاوه جشن‌های پی در پی که در مدارس دوشیزگان در نهایت نظم و ترتیب منعقد بود و هر روزی در مدرسه بساط جشن و مسرتی تشکیل داشت برای ورقه تصدیق نامه و دیپلمی که از طرف قرین اشرف... ممتازالملک وزیر علوم و معارف به شاگردان فارغ‌التحصیل مرحمت می‌شد.

بعلاوه خود مدرسه مزینه هم امتحان سالیانه داشت و هم امتحان وزارت علوم و معارف و هم جشن شاگردان تصدیقی، این شد که جریده شکوفه قدری تعویق افتاد.»

ظاهراً پس از این شماره دیگر از انتشار روزنامه شکوفه خبری نیست و عدم انتشار در حقیقت بیانگر علت اصلی وقفه نیز هست یعنی احتکار کاغذ و عدم امکان تهیه و یا سرسام آور بودن قیمت کاغذ که سبب عدم انتشار نشریه شده، چه امتحانات تمام شده بود و مدرسه مزینه که متعلق به صاحب امتیاز و مدیر نشریه شکوفه داشت دیگر نمی‌توانست دلیلی بر تعویق و یا عدم انتشار باشد.

محتوای مطالب نشریه شکوفه به مانند نشریه دانش بوده و بیشتر مطالب نشریه اختصاص به حفظ‌الصحه زنان، کودکان، تربیت و اخلاق دوشیزگان، در مزمّت تقلید بد، مقایسه حالات زنان اروپائی با زنان ایرانی، فلسفه حجاب (سلسله مقالاتی در چند شماره پیاپی)، تربیت نسوان در کشورهای چون ژاپن و... فلسفه زن و شوهری، نخستین قونقره [کنگره] نسوان، تدبیر منزل، اعلان و اخبار مدارس نسوان در ایران بویژه در تهران که خود خانم مزین السلطنه در همان اوان مدیر دو مدرسه دخترانه بود، اسامی دانش‌آموزان مدارس دخترانه، و چاپ بخشنامه‌های اداری وزارت علوم و معارف، نامه‌های رسیده به دفتر نشریه و مقالاتی در باب مسائل اجتماعی هم چون «بساط سبزه لکدکوب شد به پای نقاق» و «منافع روزنامه از برکت خواتین محترمه» که در آن می‌نویسد:

«هیچ مملکتی یا به دایره تمدن و ترقی نگذاشت مگر بواسطه روزنامه، روزنامه است که تنقید افکار و ترتیب نطق و گفتار می‌نماید و طریقه زندگانی و تحصیل مکتب و ثروت و آداب ادب و تربیت و مراوده و معاشرت و رویه



تحصیل علم و معرفت و طریقه تجارت و زراعت را به ما نشان می‌دهد. روزنامه است که ترقی و تنزل و عزت و ذلت هر مملکت را ظاهر می‌سازد، روزنامه است که اطوار و رفتار و اخلاق حسنه و رذیله هر طایفه و سلسله را کشف می‌نماید. روزنامه است که سر علوم و صنایع هر اقلیمی را از جزء و کلی می‌نماید.

گر بگویم وصف او بی حد شود»
نشریه شکوفه نقش مؤثری در روشنگری و پیشرفت زنان ایران داشته که برای تعیین روش روزنامه‌یابد آن را به دو دوره انتشار تقسیم کرد.

دوره نخست از شماره یک تا شماره ۱۲ سال سوم که در این مرحله هم و غم دست‌اندرکاران نشریه معطوف به مسائل تساوی حقوق زن و مردم، توسعه امور فرهنگی در میان زنان، مدارس دخترانه و... بود.

مرحله دوم از شماره ۱۲ سال سوم تا تعطیلی روزنامه که شکوفه تبدیل به ارگان انجمن خواتین و مدیران نسوان شد و روش و مرام روزنامه نیز سیاسی شد. و از آن پس محتوای نشریه به مسائلی چون استقلال ملی، مبارزه با نفوذ خارجی، وظایف زن، اتحاد و اتفاق زنان برای انجام وظایف، استقراض از دول خارجی، واکذاری امتیازات به دول بیگانه و سلسله مقالاتی در بیداری زنان ایران پرداخته است.

مدیر نشریه شکوفه در سال سوم انتشار نشریه به همت تنی چند از بانوان ایران اقدام به تاسیس انجمنی کرد با نام «انجمن همت خواتین» و در شماره ۱۲ سال سوم هدف از تاسیس انجمن را چنین بیان می‌کند:

«غرض از تاسیس انجمن همت خواتین ایرانی، اولاً ترویج اشیاء داخلی است و ثانیاً ترقی صنایع و هنرهای بدی دختران و شاگردان مدارس است.»

علاقه زنان ایرانی به این انجمن چنان بود که در عرض پنج هفته در حدود ۵۰۰۰ زن عضویت آن را قبول کردند و از این زمان بود که بانو مزین السلطنه، امکانات روزنامه شکوفه را در اختیار «انجمن همت خواتین ایرانی» گذاشت و در تبلیغ و ترویج مرام انجمن از هیچ کوششی دریغ نورزید تا جایی که یک بار با فروش اثاثیه منزل خود

مخارج چاپ روزنامه را تامین کرد. نکته پایانی آنکه به نوشته خانم پری‌شیخ‌الاسلامی انتشار روزنامه شکوفه تا سال ۱۳۳۷ ه. ق. یعنی تا زمان وفات بانو مزین السلطنه ادامه داشته و بعد از فوت آن مرحومه مغفوره متوقف شده است (زنان روزنامه‌نگار و اندیشمندان ایران، تهران، ۱۳۵۱).

در حالی که اقسط روزنامه شکوفه به شماره ۱۱ در ۵شنبه غره ذیقعد ۱۳۳۴ پایان می‌یابد و ظاهراً چهارسال از هفت سال انتشار نشریه را در بر دارد. معلوم نیست که این کوناهای از چیست؟ یا گفته خانم‌شیخ‌الاسلامی مستند نیست و یا اینکه دست‌اندرکاران نشر احیاء نشریه از ادامه نشر آن بی‌خبر بودند، در حالی که در پیشگفتار کتابخانه ملی آمده است:

«روزنامه شکوفه در چهار سال حیات مطبوعاتی خود ۷۰ شماره منتشر شد، در سال اول ۱۷ شماره چاپ‌سنگی و از شماره ۱۸ (اولین شماره سال دوم) نوع چاپ تغییر یافته و بصورت سربی در آمده.»

آنگاه در بخش دیگری می‌افزاید: «با همه تلاش و کوشش و جستجوی فراوان دوره کامل این نشریه تامین نشد و بالاخره با ۳ شماره کسری (۱۵ سال دوم، ۱۴ سال سوم و ۲ سال چهارم) احیاء و تقدیم شد.»

معلوم نیست این کوشش و تلاش برای شماره‌های ۱۱ سال چهارم به بعد نیز صورت گرفته است یا به کلی از وجود و نشر آن بعد از سال ۱۳۳۴ بی‌اطلاع بوده‌اند.

ضمن ستایش و تقدیر از این اقدام فرهنگی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در احیاء نشریات قدیمی که توانسته است از سال ۱۳۷۰ تاکنون یک دوره از نشریات رسمی دولتی تا انقلاب مشروطه را احیا و منتشر کند و اضافه بر آن اولین نشریه غیردولتی (تربیت) و همچنین روزنامه انجمن تبریز و نخستین نشریات زنان در ایران را احیا و چاپ کند، لازم است دقت بیشتری مبذول فرمایند تا دوره‌های نشریات احیاء شده جامع و کامل صورت تمام پذیرد.